

## افزایش ۲/۵ برابری قربانیان تصادفات درون شهری شیروان



**عوض زاده-** تصادفات درون شهری منجر به فوت در شیروان صد درصد و تعداد متوفیان ۲/۵ درصد رشد داشته است. همچنین در حوزه برون شهری تصادفات منجر به فوت ۱۳ درصد و تعداد متوفیان ۳۳ درصد افزایش یافته است.

این خبر را فرمانده انتظامی شیروان در جمع خبرنگاران داد و افزود: هر چند سرقت های مهم در ۴ ماه امسال نسبت به سال گذشته در شیروان ۱۹ درصد کاهش داشته اما مجموع سرقت ها در همین مدت ۳۶ درصد و کشف سرقت ها ۴۵ درصد رشد داشته است.

سرهنگ «وحیدی» از کاهش ۳۹ درصدی سرقت مغازه، ۲۳ درصدی سرقت منزل، ۲۲ درصدی سرقت موتور سیکلت و ۳۶ درصدی کیف قاپی و افزایش ۵۸ درصدی سرقت اتومبیل و ۵۴ درصدی سرقت های خرد خبر داد. به گفته وی، در ۴ ماه امسال ۲۶۹ سارق دستگیر شدند که نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود ۵۰ درصد افزایش داشته است.

وی از افزایش ۵۲ درصدی کشفیات مواد مخدر در این دوره زمانی هم خبر داد و اظهار کرد: در این مدت بیش از ۸۸ کیلوگرم مواد مخدر کشف شد. او به راه اندازی سامانه ناظر در شیروان اشاره کرد و افزود: از طریق این سامانه هر وسیله ای که در آن کشف حجاب صورت گیرد شناسایی و با سرشنینانش برخورد قانونی می شود.

## نجات مفقودشدگان در ارتفاعات آلبلاغ اسفراین

**نجفیان-** مدیر جمعیت هلال احمر اسفراین از نجات ۳ فرد مفقود شده در ارتفاعات آلبلاغ بعد از ۷ ساعت تلاش تیم واکنش سریع خبر داد. به گفته «ابراهیم سارمی»، یک شنبه شب گزارشی مبنی بر مفقود شدن ۳ طبیعت گرد به دلیل تاریکی هوا حدود ساعت ۲۱:۳۰ در آلبلاغ گزارش شد که در پی آن تیم واکنش سریع جمعیت هلال احمر اسفراین به منطقه اعزام شد و پس از انجام حدود ۷ ساعت عملیات جست و جو در ساعت ۴ بامداد دوشنبه ۳ نفر را که بر اثر گرسنگی و سرما دچار ضعف و بی حالی شده بودند، نجات داد. یکی از این ۳ نفر، نوجوان بومی بود و ۲ نفر دیگر غیر بومی بودند.

## دام شوهر معتاد برای از دست ندادن همسر

**صدیقی-** «همسر به خاطر خوش سیما بودنم، من را وارد منجلاب اعتیاد کرد و جوانی ام را بر باد داد. او انگار از زیبایی ام واهمه داشت و من بی خبر از همه جا فریب حرف هایش را خوردم و در تله اش گرفتار شدم». این ها بخشی از صحبت های زن جوان در راهروی دادگاه خانواده است.

او پرده از نقشه شوم همسر معتادش بر می دارد و می گوید: با وجود این که خواستگارهای زیادی در زمان مجردی داشتم اما من همسر حيله گرم را انتخاب کردم. بعد از گذشت مدتی از زندگی مشترک مان شوهرم سر رقیق بازی در دام اعتیاد افتاد و همین موضوع او را به شک انداخته بود که شاید من روزی او را ترک کنم. اگر چه زیبا رو بودم و به گفته مادرم مانند نگینی در بین فامیل می درخشیدم

اما شوهرم را با وجود چهره معمولی اش دوست داشتم. زمانی که اعتیاد شوهرم اوج گرفت، رفته رفته چهره اش چروکیده و پر از لک شد اما با این وجود در تلاش بودم او را از دام اعتیاد نجات بدهم تا به زندگی عادی اش برگردد.

برعکس شوهرم، به خاطر زیبارویی ام واهمه داشت که من از دست بدهد برای همین در افکار پلیدش نقشه شوم می کشید تا به او وابسته شوم و مبادا فکر جدایی به سرم بزنند. وقتی شوهرم پای بساط می نشست به بهانه های مختلف از من می خواست چند دود او را همراهی کنم تا به قول خودش بدنم تنظیم

شود و خستگی از جسم ام بیرون برود. هر چند از مواد بدم می آمد اما به اصرار شوهرم هر چند وقت یک بار آن را مزه مزه می کردم تا این که با وسوسه و تعریف همسرم از این که مصرف مواد قیافه ام را بهتر می کند و از اضافه وزنم می کاهد، در دام او افتادم. رفته رفته اعتیادم بیشتر شد و برخلاف گفته شوهرم مواد نه تنها کمکی به زیبایی من نداشت بلکه بر عکس روز به روز از یک زن خوش سیما به یک زن لاغر و رنگ پریده تبدیل شدم.

این ماجرا ادامه پیدا کرد تا این که روزی یکی از دوستان همسرم را از او پیش من فاش کرد و به من گفت معتاد شدنم تصادفی نبود و با نقشه قبلی شوهرم بود. با شنیدن این حرف ها اصلا باور نمی کردم که نزدیک ترین شخص به من این بلا را سرم آورده است.

وقتی ماجرای اعتیادم را از شوهرم سوال کردم او ابتدا منکر قضیه شد اما وقتی دید دستش رو شده اعتراف کرد که از ترس از دست دادنم به فکر معتاد کردن من افتاده است تا با این کار هم چهره ام زیبایی گذشته را نداشته باشد و هم مطیع او شوم.

بعد از آن با حالت قهر خانه را ترک کردم و نزد مادرم رفتم. وقتی مادرم ماجرا را فهمید از من خواست ابتدا درخواست طلاق بدهم چون شوهرم لیاقت من را ندارد و بعد از آن به کمپ بروم تا هر چه زودتر از شر مواد خلاص شوم.



واژگونی تریلی حامل گندم در محور حادثه خیز صفی آباد-گرانی

## رنج نامه یک زن از شوهر و دخترش

## باچ خواهی پدر؛ تباهی آینده دختر

الته دختر خوب می داند مسبب همه حادثه های تلخ رخ داده در زندگی اش خودش است و ریشه های آن ها به پدر دودی اش بر می گردد. دوباره روز از نو و روزی از نو، دختر از اشتباهات گذشته اش پند نمی گیرد و پا در رکاب شیطان می گذارد.

بعد از گذشت مدتی که همه چیز آرام می شود دختر پر ماجرا با یک نفر طرح دوستی می ریزد و راه تارک و فرار از خانه را انتخاب می کند

و با سر در باتلاق تباهی می افتد. این بار با فرار از خانه برای بار سوم تیشه به ریشه زندگی خم و آویزان شده اش می زند و او را از بن قطع می کند. مادر دختر سرکش که متوجه فرار مجدد دخترش می شود این بار از او ناامید می شود

و او را طرد می کند تا تاوان سختی بابت رفتارهای ناهنجارش پس بدهد. همین طور هم می شود و دختر در به در باز از پسر غریبه رودست می خورد و بعد از مدتی که از سوی او مورد سوء استفاده قرار می گیرد از آن خانه رانده و آواره کوچ و خیابان می شود. دختر سرکش وقتی می بیند مثل سابق نزد خانواده جایی و حامی ندارد به ناچار از قانون کمک می گیرد و از آن پسر شکایت می کند.

مادر دختر سرکش می گوید: خیلی سعی کردم دخترم را راهنمایی و از دام های پهن شده سر راهش مطلع کنم اما فایده ای نداشت و او مدام راه غلط را انتخاب می کرد و هر بار در باتلاق تباهی فرو می رفت.

او اضافه می کند: البته ریشه این اتفاقات به رفتارهای شوهر سابقم (پدر دخترم) بر می گردد و اگر او راه درست را انتخاب می کرد و دنبال هوس و دود نمی رفت زندگی ما از هم نمی پاشید و این گونه آینده تباه شده تنها فرزندم را نظاره گر نبودم.

شده با پا گذاشتن در ۲۰ سالگی شرایط روحی اش عوض می شود. او به خاطر پر کردن خلأ عاطفی دست نیاز به سوی یک پسر غریبه دراز می کند و بعد از مدتی با فرار از محل زندگی اش در دام هوسراران گرفتار می شود.

مادر رنج کشیده بعد از اطلاع از این موضوع به تهدید و شکایت از پسر جوان اقدام می کند و پسر خطاکار برای فرار از مجازات قانونی به ناچار تن به ازدواج با دختر بی پناه می دهد تا به نوعی آب ها از آسیاب بیفتد و بعد دنبال زندگی خودش برود.

دختر جوان بعد از ازدواج متوجه می شود مرد رویاهایش تو زرد و مانند پدرش یک شیشه ای تمام عیار است.

وقتی می بیند آینده ای نزد شوهر معتادش ندارد ناامیدانه با بخشیدن حق و حقوقش از او جدا و راهی خانه مادرش می شود.

بعد از بازگشت نزد مادرش در پی خوشبختی خيالی این بار فریب یک نفر دیگر را می خورد و با وجود مخالفت او بدون سیر رسم و رسوم پای سفره عقد با پسر غریبه می نشیند اما این پایان ماجرا نیست.

دختر بی خبر از همه چا نمی داند که شوهر دوشم هم مانند اولی معتاد است و از همه بدتر مادر شوهرش نقشه پلیدی برای او زیر سر دارد. مادر شوهرش با راه انداختن خانه فساد قصد سوء استفاده از عروسی را داشت که دختر جوان به نقشه او پی می برد و در یک بزنگاه شبانه از خانه پا به فرار می گذارد تا زیر سایه بان مادرش دوباره پناه بگیرد.

دختر جوان بعد از مدتی طلاقش را از شوهر دوشم هم می گیرد و انتظار می کشد که مرد رویاهایش با اسب سفید از راه برسد اما خیال واهی بیش نیست.

باچ خواهی مداوم پدر شیشه ای از همسرش، سرنوشت شومی را برای دخترشان رقم زد و آینده او را دود کرد. مادر خانواده بعد از جدایی از شوهر معتادش نمی خواست از جگرگوشه اش دور بماند برای همین مدام به شوهر سابقش باچ می داد تا در خواست حضانت بچه پیش کشیده نشود اما با ازدواج مجدد زن، داستان عوض شد و اتفاقات تلخی برای دختر تنها افتاد.

به گزارش خبرنگار ما، بنا بر اظهارات مادر رنج دیده مانه و سملقانی ماجرا از این قرار است که پدر خانواده به مواد صنعتی اعتیاد پیدا می کند و همین قضیه سر آغاز اختلافات زناشویی می شود. بعد از مدتی همسر مرد شیشه ای عطای زندگی با همسرش را به لقایش می بخشد و راه جدایی را در پیش می گیرد.

بعد از جدایی، مرد معتاد به شرطی حاضر می شود دخترشان نزد همسرش بماند که هزینه موادش از سوی زن تامین شود. زن، طاقت دوری از جگرگوشه اش را ندارد و به ناچار شرط همسر خمار و بی مسئولیت سابقش را می پذیرد. مدتی باچ خواهی مرد طمع کار از زن سابقش ادامه پیدا می کند تا این که زن با ازدواج مجدد زندگی جدیدی را در پیش می گیرد و با راهنمایی همسر دوشم از باچ دادن به همسر اوّلش خودداری می کند و دخترش را به او تحویل می دهد.

زمانی که قانون می بیند پدر معتاد صلاحیت نگهداری از فرزندش را ندارد دختر را تحویل یک نهاد حمایتی و دولتی می دهد تا او سرنوشت و آینده خودش را در آن جارقلم بزند. دختر از همه جا رانده که بی پناه و بدون مهر و محبت پدر و مادر در یک خوابگاه دولتی بزرگ



## پخش کننده انواع تشک ورزشی و تاتامی

لاستیک گرانول و انواع لوازم ورزشی فومی  
با بهترین کیفیت و در رنگبندی متنوع  
میز پینگ پنگ، فوتبال دستی، سبد بسکتبال و...

## مشاوره و طراحی و تجهیز فضای ورزشی

## مراکز آموزشی و مهد های کودک و مدارس

آدرس دفتر فروش: بجنورد خیابان دوچنار \_ روبروی پژوهشگاه معلم

۰۵۸۳ ۲۲۱ ۱۸۰۱ - ۰۹۱۵ ۵۵۷ ۸۶۱۹ - ۴۰۷۸ ۲۱۹ ۰۹۳۳